



معرفی جلوه های ادبی و پایداری علی‌نامه

دکتر فریده داودی مقدم^۱، بهناز دیندار^۲

دانشیار دانشگاه شاهد^۱، تهران، fdavoudy@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه شاهد، تهران dindarbahamin@gmail.com^۲

چکیده

حماسهٔ دینی، از زیر شاخه های نوع ادبی حماسه است که به توصیف قهرمانی‌های بزرگان و اولیای دینی هر قوم اختصاص دارد. این نوع حماسه به بیان مشکلات و جانفشانی قهرمانان و بزرگانی می‌پردازد که فداکاری آنها نقشی بسزا در تکوین و ریشه دار شدن دین و مذهب یک قوم ایفا کرده است. از جملهٔ این حماسه‌های دینی، منظومهٔ علی‌نامه ربیع است که در بیان و توصیف رشادتها و جنگهای حضرت علی (ع) و مناقب ایشان در قرن پنجم، بر وزن شاهنامه و در یازده هزار بیت سروده شده است. از آنجا که برخی صاحب‌نظران، از جمله شفیعی کدکنی علی‌نامه را دارای ارزش‌های بلاغی و ادبی دانسته‌اند، در این پژوهش به بررسی و تحلیل این حماسهٔ مصنوع از منظر ادبی و محتوایی و زیبایی شناختی و پایداری، پرداخته شده است. واکاوی متن از این دیدگاهها نشان می‌دهد که کتاب علی‌نامه، شامل محورهای برجسته از منظر شاخصه های ادبیات پایداری است. از منظر ادبی، این اثر حماسی و مذهبی، گاه دارای ابیات بسیار فاخر و گاه شامل ابیاتی سست و ضعیف است که برخی دلیل این موضوع را این می‌دانند که ربیع شاعری با معلومات بالا و صاحب دایرهٔ لغات وسیع بوده و مواردی را که دارای اهمیت بوده و قابلیت برجسته شدن را داشته است، با ابیاتی فاخر و والا، همراه با تشبیهاتی بسیار زیبا و مواردی را که از دیدگاه شاعر اهمیت بالایی نداشته و یا لزومی برای تأکید بر روی آن حوادث و یا رفتارها نمی‌دیده، با ابیاتی ساده طرح و از آنها گذر کرده است.

واژه‌های کلیدی

علی‌نامه، ربیع، حماسهٔ دینی، ادبیات پایداری، شگردهای ادبی.



۱. مقدمه

در این پژوهش کتاب علی نامه در مرحله نخست از منظر مفاهیم حماسه و پایداری، و دلاور مردی حضرت علی(ع) و یارانش در پاسداری از حریم دین و جامعه دینی بررسی شده است و ابیاتی که بیانگر این مفاهیم بوده اند از متن کتاب استخراج شده اند و در مرحله دوم از ابیاتی که از نظر محتوایی، تداعی آیات و احادیث و روایات و یا یادآور اشعار و حتی ضرب المثل های ایرانی بوده اند بررسی و شاهد مثالهای مرتبط با آن آیات و ابیات، از منابع مختلف استخراج و استفاده شده و در مرحله سوم از نظر آرایه های ادبی به کار رفته در آن، میزان و نوع آرایه ها، به همراه ابیات مورد نظر، استخراج و بررسی شده است.

حماسه از نوع اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی و افتخارات و بزرگی های قومی یا فردی می باشد، به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد. «(صفا، ۱۳۹۲: ۳)

حماسه: مللی که سالیانی دراز در ناحیتی زیسته اند و با حوادث آسان و دشوار برابر گشته و فتح ها و پیروزی ها بر دست ایشان رفته و شکستها بدانان رسیده است، ناگزیر داستانها و سرگذشتها از پهلوانیهای پهلوانان و آزار مهاجمان و تعدی متعدیان و جهانگشایی جهانگشایان در یاد ایشان خواهد ماند که در حقیقت خاطراتی از پدید آمدن و استوار شدن مبانی ملیت آنان است و از همین خاطرات است که چون بر گرد هم آیند داستانهایی که نماینده عظمت و جلال قوم و جانفشانی ها و فداکاریهای اوست پدید می آید و زبان به زبان و سینه به سینه می گردد و با گذشت روزگار و تواتر ایام بجانب کمال و توسعه و ترقی می رود تا سر انجام به دست شاعری استاد و توانا و وطن دوست رسد و او از مجموع آنها و یا بهری از آنها منظومه ای عظیم و جاودانی پدید آورد. چنین منظومه ای را که مشتمل بر افکار پهلوانی و آثار شجاعت و مفاخر قوم است منظومه حماسی و قهرمانی خوانند و از این منظومه است که آثار جلال و نبوغ و قوت قوم و زیبایی و شکوه زبان و ادب وی آشکار است. (صفا، ۱۳۳۲: ۱)

«علمای فولکلور داستانهای حماسی را بر حسب مضمون به چهار دسته تقسیم می کنند

۱-سرود تاریخی ۲-حماسه فکاهی ۳-حماسه اساطیری ۴-حماسه

«حماسه یکی از انواع روایت است که ممکن است به شعر باشد، ممکن است به نثر باشد و ممکن است مخلوطی باشد از شعر و نثر. حماسه های منظوم را گهگاه همراه با آهنگ یا آلت موسیقی خاصی می خوانند (مثل عاشقهای ترک، و اعرابی که حماسه بنو



هلال را با سازه‌های زهی اجرا می‌کنند.) اما حماسه‌ای که مخلوطی از شعر و نثر باشد هم در ادب رسمی، و هم در ادبیات عامیانه ایران بسیار است. نوع عامیانه اش همان نقالی معروف است که در آن داستان را به نثر می‌گویند.» (امید سالار، ۱۳۸۹: ۳۵)

«علمای فولکلور داستانهای حماسی را بر حسب مضمون به چهار دسته تقسیم می‌کنند:

۱- سرود تاریخی ۲- حماسه فکاهی ۳- حماسه اساطیری ۴- حماسه پهلوانی

۱-۱- سرود تاریخی شعر بلندی است که در باب یک حادثه مهم تاریخی ساخته شده باشد. مثلاً سرودهای قدیم که هنوز در

اروپای شرقی درباره فتح آن منطقه به دست سپاه عثمانی خوانده می‌شود

۲-۱- قسم دوم یعنی آنچه من آن را به «حماسه فکاهی»^a ترجمه کرده‌ام. حماسه فکاهی اشعار خنده داری است که با زبانی حماسی

درباره موضوعی پیش پا افتاده ساخته شده است. هدف این نوع حماسه‌ها بیشتر سرگرمی و تفریح و طنز است. در ادب اروپایی، و مخصوصاً روسی، چنین حماسه‌هایی که به زبان فاخر و پهلوانی بیان شده و مثلاً نبرد بین چند خانم را در رزمگاه آشپزخانه توصیف می‌کند موجود است.

۱-۳- نوع سوم حماسه را «حماسه اساطیری»^b می‌نامند موضوع حماسه‌های اساطیری نبرد خدایان و نیروهای فوق انسانی

با یکدیگر است و در بسیاری از موارد حاصل این نبرد ها خلقت یکی از پدیده‌های طبیعی است. «حماسه بابلی»^c که در آن خدایی به نام مردوک با الهه‌ای به نام تیامات می‌جنگد و به خلقت جهان و پادشاهی مردوک منجر می‌شود، از این نوع حماسه‌هاست.

۱-۴- حماسه پهلوانی خود به چهارگونه تاریخی، ملی، کیهانی و رومانیک یا داستانی قابل تفکیک است

حماسه پهلوانی تاریخی: مضمون این قسم حماسه‌ها وقایع تاریخی یا نیمه تاریخی است. محتوای آنها از نظر تمثیلی نسبتاً

ضعیف و دامنه‌مطلبشان هم قدری محدود است. ایللیاد و هومر و همچنین هسته اصلی داستان مه‌ابهاراته هندیان را در ادب دیگران، و شهنشاه نامه، و ظفرنامه را در ادب فارسی می‌توان نمونه این نوع حماسه دانست.

^a . Carnavalesque Epic

^b . -Mythic Epic

^c . Enuma Elis



۱-۴-۱- حماسه پهلوانی ملی: این گونه حماسه ها هم از نظر تمثیلات و هم از نظر دامنه مطالب از گونه تاریخی غنی ترند.

اشخاص و حوادث آنها تبلور شاعرانه آرمانهای های ملی و حوادثی است که بر یک ملت گذشته است. مضمون حماسه های پهلوانی ملی مبارزات یک ملت علیه دشمنان خود و مصائب و دشواریهایی است که آن ملت در طول تاریخ با آنها دست و پنجه نرم کرده است شاهنامه فردوسی و مجموعه داستانهای پهلوانی روسی که به حلقه داستانهای «حماسی کیف»^d معروف است از نمونه های بارز این گونه حماسه هاست .

۱-۴-۲- حماسه پهلوانی کیهانی: زبان و حال و هوای این گونه حماسه ها از آنچه در حماسه های ملی می یابیم سمبلیک تر است. پهلوان حماسه های کیهانی مظهر یک ملت یاقوم نیست بلکه مظهر انسانیت به معنی اعم کلمه است و در نبرد خودش با مظاهر شر، در حمایت نیروهای اساطیری و الهی است. پهلوان حماسه های کیهانی معمولاً نیمه خداست و در برخی روایات از سوی یکی از والدینش به طبقه خدایان متعلق است مضمون این نوع حماسه ها پیروزی انسانیت بر مظاهر طبیعی جهان است. مثلاً بخش اول حماسه گیلگمش و نبرد گیلگمش به یاری دوستش انکیدو با هومبابا و گاو وهمچنین برخی از قسمتهای حماسه هندی راماینه، و نیز حماسه ژرمنی بئوولف را می توان از این نوع حماسه های کیهانی انگاشت.

۱-۴-۳- حماسه پهلوانی داستانی یا رومانتیک: موضوع این حماسه ها عشق و عاشقی و همسر طلبی پهلوان است. یا پهلوان به طلب معشوق به بلاد دیگر سفر می کند (مثلاً: سام نامه منسوب به خواجه، وامق و عذرا، امیر ارسلان)، یا به دنبال کسانی که همسرش را دزدیده اند میرود تا معشوق را از ایشان پس بگیرد (مثل رفتن راما به دنبال سیتا در راماینه). رقیب پهلوان در این نوع داستانها یا یک قوم

نیرومند، یا یک موجود هیولایی است». (امید سالار، ۱۳۸۹، ۳۷-۴۰)

«حماسه حماسه است؛ چه داستان حماسی در باره جنگ میان حضرت علی با مخالفان او باشد و چه بین رستم و تورانیان، در قالب فرقی نمی کند. ایرانیان ملتی حماسه دوست و علاقه مند به روایات پهلوانی هستند، وقتی به دین اسلام مشرف شدند روایات حماسی خود را با پیوند زدن و پروراندن داستانهای تاریخی ای که در باب شجاعت و دلآوری امیر مومنان در متون تاریخی دین جدیدشان موجود بود غنی تر کردند.» (امید سالار، ۱۳۸۹، ۵۳)

^d . KievCycle



۲-اسطوره: در بزنگاهها هنگامی که مردم احساس می کردند به گرفتن قدری انرژی ملکوتی نیاز دارند، هنگامی که در آغاز ماجرای تازه به دنیایی ناشناخته نگاه می کردند در سال نو، مراسم تاجگذاری و.....زمانی که با فاجعه ای روبه رو می شدند و قصد داشتند کشمکشی را به پایان برسانند، یا بیماری را درمان کنند به باز خوانی این اسطوره های کیهان شناختی مشغول می شدند. هدف از اسطوره پردازی وصل شدن به انرژی های بی زمانی بود که وجود بشر را حمایت می کرد اسطوره و آیین های همراه آن همواره این مطالب را یاد آوری می کردند که چیزها پیش از آن که بهتر شوند غالباً بدتر می شوند و بقا و خلاقیت به مبارزه ای ایثار گرانه نیاز دارند، اسطوره همواره به عمل نیاز داشت حکیمان دوران محوری نشان دادند که اسطوره اهمیت کامل خود را نشان نخواهد داد مگر آن که به تجربه عملی همدردی و عدالت در زندگی روزمره منجر شود. (آرمسترانگ، ۱۳۹۰: ۶)

۳-انواع منظومه های حماسی

۳-۱-«منظومه های حماسی طبیعی و ملی که عبارتست از نتایج افکار و قرائح و علائق و عواطف یک ملت که در طی قرو و اعصار تنها برای بیان وجوه عظمت و نبوغ قوم بوجود آمده و مشحونست بذکر جنگ ها و پهلوانی ها و جان فشانی ها و فداکاریها و در عین حال مملوست از آثار تمدن و مظاهر روح و فکر مردم یک کشور در قرون معینی از ادوار حیاتی ایشان که معمولاً از آنها به دوره های پهلوانی تعبیر می کنیم .

در این دسته از منظومه های حماسی شاعر به ابداع و خلق توجهی ندارد بلکه داستان های مدون کتبی یا شفاهی را که علی الظاهر از بعضی وقایع خارجی نشأت رده و بتدریج بر اثر نقل و تخیل ناقلان کمأ و کیفاً تغییراتی در آن راه جسته و با حوادث و اتفاقات دیگری که اغلب زماناً مؤخر از آن یا مقدم بر آنست ترکیب یافته است مانند یکی از ناقلان نقل می کند ولی فرق او با ناقلان در آنست که این داستان ها را با مهارت و استادی بهم می پیوند و از قدرت شاعرانه خود در وصف استفاده می کند و در بیان عواطف و احساسات گذشتگان راهی که دیگران عاجز بوده اند پیش می گیرد.» (صفا، ۱۳۹۲: ۵)

۳-۲-«منظومه های حماسی مصنوع: در این منظومه ها سرو کار شاعر با داستانهای پهلوانی مدون و معینی نیست بلکه خود



به ابداع و ابتکار می پردازد و داستانی را از پیش خود بوجود می آورد . در اینگونه داستانها شاعران آزاد و مختارند با رعایت قواعد و قوانینی که برای شعر حماسی در میان است ، هرگونه بخواهند موضوع داستانی خویش را ابداع کنند و تخیل خود را در آن دخیل سازند . در ادبیات اروپایی از این گونه منظومه های حماسی فراوان داریم و از آن قبیل است منظومه «هانریاد» ولتر نویسنده وشاعر فرانسوی .
(صفا، ۱۳۹۲: ۵)

۳-۳- منظومه های حماسی تاریخی

ممکن است موضوع حماسه تاریخی زندگی یک یاچند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی بوجود آمده باشد .این منظومه ها که بر اثر استادی و همچنین اعتقاد شدید دینی گویندگان آنها ممکن است گاه بسیار دل انگیز و زیبا باشد،نیز اغلب دارای بسیاری از خصایص منظومه های حماسی است و از این جهت باید در شمار آثار حماسی ملل نام برده شود ،من اینگونه منظومه های حماسی را که اتفاقا در زبان فارسی نمونه های بسیاری مانند خاوران نامه ان حسام و حمله حیدری بادل و کتاب حمله راجی و خداوند نامه صبا و اردیبهشت نامه سروش و جز این ها دارد منظومه حماسی دینی می نامم . یکی از خصائص منظومه های حماسی همه جا ودر هر زمان آنست که مدتها پس از حوادثی که از آنها سخن می گویند ،پدید می آید.» (صفا، ۱۳۹۲: ۷)

«موضوع سخن در اینجا امر جلیل و مهمی است که سراسر افراد ملتی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذی نفع باشند.

(مانند مشکلات وحوادث ملی از قبیل مساله تشکیل ملیت و تحصیل استقلال و دفاع از دشمنان اصلی و امثال این ها چنانکه در شاهنامه و حماسه های ملی جهان ملاحظه می شود)و یا مشکلی فلسفی (مانند مساله خیر و شر در قطعاتی از اوستا و منظومه های «بهشت گمشده» و «بهشت مردود» میلتنون) که جهانیان همگی آنرا ارج و بهایی نهند» (صفا، ۱۳۷۰: ۴)

«در شعر حماسی دسته ای از اعمال پهلوانی خواه از یک ملت باشد و خواه از یک فرد بصورت داستان ویا داستان هایی در می آید

که ترتیب و نظم از همه جای آن آشکار است .از نقطه ویا نقاطی آغاز می شودو به نقطه یا نقاطی پایان می پذیرد ،

ناقص و ابتر نیست و خواننده می تواند با خواندن آن داستان از مقدماتی آغاز کندو به نتایجی دست یابد.» (صفا، ۱۳۷۰: ۴)



حماسه های دینی یا مذهبی که قهرمان آن یکی از رجال مذهبی است و ساخت داستان حماسه بر مبنای اصول یکی از مذاهب است ، مثل کمدی الهی دانته ، خاوران نامه ابن حسام (← ابن حسام خوشفی از شاعران قرن نهم) ، خداوند نامه ی ملک الشعرا ی صبا ی کاشانی . برخی از محققان حماسه های اخلاقی هم قائل شده اند و مهابهاراتا و رامایانا را مثال زده اند .

۳-۴- حماسه های عرفانی که در ادبیات فارسی فراوان است . در این گونه حماسه ، قهرمانان پس از شکست دادن دیو نفس و طی فری مخاطره آمیز در جاده ی طریقت ، نهایتاً به پیروزی که همانا حصول جاودانگی از طریق فناء فی الله است ، دست میابند . مثل حماسه ی حلاج در تذکره الاولیا . منطق الطیر هم یک حماسه ی عرفانی است ، منتها به شیوه ی تمثیلی سروده شده است . بهگوت گیتا را هم که از متون مذهبی هند محسوب میشود گاهی حماسه ی عرفانی خوانده اند . (شمیسا، انواع دبی: ۵۷)

«ادبیات پایداری، شاخه ای مهم از ادبیات است که باتوجه به رویکرد اعتقادی و معناگرایانه اش ، نقشی بسزا در تاریخ ملت ها بازی می کند این گونه ادبی، بازگو کننده دردها ورنج هایی است که در برها ای از زمان و از سوی دشمنان داخلی یا خارجی ، برملتی تحمیل می شود. حماسه های دینی یکی از شاخه های مهم ادبیات پایداری هستند ، حماسه دینی نوعی از حماسه است که در آن به بیان قهرمانی ها و جانفشانی های بزرگان و اولیای دینی هرقوم در جهت دفاع از آیین شان پرداخته می شود، این نوع حماسه مشکلات و مصائب قهرمانان و بزرگانی را به تصویر می کشد که فداکاری آن ها نقشی بسزا در تکوین وریشه دار شدن دین ومذهب یک قوم ایفا کرده است. حماسه دینی یادگار مجاهدت گروهی برای حفظ دین ونبرد با معاندان و برانداختن آداب ورسومی است که خلاف عقاید دینی تشخیص داده می شود.» (قاسم زاده، ۱۳۹۱، ۳۴۴)

«نقطه شروع هر حماسه دینی، گزینش آیین حق به وسیله حامیان اولیه آن دین و طرد آیین باطل است.» (قاسم زاده، بهجت، ۱۳۹۱، ۳۴۸)

۵- اسطوره

«امروزه واژه اسطوره غالباً برای توضیح چیزی که حقیقت ندارد به کار برده می شود» (آرمسترانگ، ۱۳۹۰، ۵). «اما اسطوره صورتی هنری است که به فراسوی تاریخ و آنچه در وجود بشر بی زمان است اشاره می کند، و به ما کمک می کند تا به فراسوی جریان پراشوب



رویدادهای تصادفی گام بگذاریم و به هسته واقعیت نظری بیندازیم. اسطوره مانند یک رمان، یک اپرا، ویا یک باله، باور ساز است؛ نوعی بازی است که دنیای تراژیک و تکه پاره‌ی ما را تعالی می بخشد، و با طرح پرسش «چه می شد اگر؟» به ما کمک می کند که نگاهی به احتمالات تازه بیفکنیم-پرسشی که برخی از مهم ترین کشفیات ما در عرصه های فلسفه، علم و فناوری مدیون آن است». (همان: ۶)

«بنابراین اسطوره حقیقت دارد چون موثر است، نه آن که اطلاعاتی واقعی در اختیارمان می گذارد. اما چنانچه در مورد معنای عمیق تر زندگی ما را به بینشی تازه تر تجهیز نکند، مردود می شود. اگر کار کند، یعنی ما را وادارد تا ذهن ها و دل های خود را تغییر دهیم، امید تازه ای در جان ما بدمد، و به زندگی پربارتری هدایتمان کند، اسطوره ای معتبر است». (همان: ۷)

با همین نگاه، اسطوره در علی نامه نیز به همین صورت میتواند کاربرد داشته باشد، یعنی بینشی تازه به ما می دهد تا دل های خود را تغییر دهیم و با امید به زندگی پر بار تر به سوی جامعه آرمانی قدم بر داریم. «به هر روی، اسطوره صرفا تمرینی در غم دور ماندگی نبود. هدف اصلی اش این بود که به مردم نشان دهد چگونه می توانند به این دنیای کهن الگویی باز گردند؛ نه تنها در لحظات جذبه مکاشفه، بلکه هنگامی که تکالیف معمول و روزمره زندگی را انجام می دهند». (همان: ۱۱)

۶- پیشینه تحقیق

موسوی گرمارودی، علی، (۱۳۸۸) پیام بهارستان (شاهنامه و منظومه حماسی دینی علی نامه)، دوره دوم، تهران، در این مقاله به تفاوت شاهنامه و علی نامه از دیدگاه ربیع پرداخته شده بدین صورت که ربیع شاهنامه را افسانه می داند، ولی علی نامه را واقعیت می داند، و گفته شده که ربیع به مسائل تاریخی توجه داشته است.

افشاری، مهران، (۱۳۸۹)، ضمیمه ۲۰ علی نامه (جستجویی در تاریخ مناقب خوانی و اشاره هایی به منظومه علی نامه)، چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب. در این مقاله به تاریخ مناقب خوانی پرداخته شده و برخی از مناقب خوانان را هم معرفی کرده است.

امید سالار، محمود، (۱۳۸۹)، ضمیمه ۲۰ علی نامه (علی نامه، شاهنامه و نقدی بر ساختار های ایدئولوژیک در مطالعات حماسی)، چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب. در این مقاله به صورت مبسوط در باره انواع حماسه بحث شده و درباره علی نامه گفته اند که منظور ربیع از نظم علی نامه مخالفت با فردوسی و ضدیت با فرهنگ ایران که فرهنگ خودش بوده -یا علی نامه را بر سر شاهنامه کوفتن



نیست؛ بلکه تعریضش به آنهایی است که ولایت حضرت علی را منکر بودند، ربیع به حکم شیعه بودن، کار تبلیغاتی می‌کند تا با مبلغان سنی مذهب مبارزه کند نه با فردوسی.

ایرانی، اکبر، (۱۳۸۹)، ضمیمه ۲۰ علی نامه (درباره علی نامه)، چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب. در این مقاله در باره حماسه و اسطوره صحبت شده و همچنین زمینه اجتماعی پدید آمدن علی نامه را مطرح کرده و همینطور در باره ویژگیهای حماسه های فارسی سده های چهارم و پنجم هجری که خرد ورزی و آزادیخواهی و بهادادن به روحیه سلحشوری است و علی نامه تمام این ویژگی ها را دارد.

روشن، محمد، (۱۳۸۹)، ضمیمه ۲۰ علی نامه (علی نامه؛ منظومه ای کهن) چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

در این مقاله از انواع حماسه ها نام برده و در مورد ربیع گفته شده که شعر بلند و پست فراوان دارد. شاید بتوان گفت سروده های آغازین شعر آیینی برخاسته از ضرورت تبلیغ است. شاعر دینی خود را مکلف می دانسته در گسترش آیین خود ادای دین کند.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، ضمیمه ۲۰ علی نامه (حماسه ای شیعی از قرن پنجم) چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب. در این مقاله از اینکه مؤلف وقوف بر این دارد که نخستین حماسه سرای مغازی امام علی است صحبت شده و بکار بردن کلماتی مانند نص و اختیار در علی نامه، کهنگی زبان شاعر، ساختار کتاب و اهمیت این منظومه مورد توجه قرار داده شده است. همچنین در مورد دایره لغات سراینده و در آخر واژه نامه مختصری آورده شده است.

۷- به تصویر کشیدن صحنه های جنگ

ربیع در به تصویر کشیدن صحنه های جنگ به نظر میرسد یا مسامحه کرده (شاید به این خاطر که برای او مهم نبوده، و یا به این دلیل که به بیان واقعیت و تاریخ پرداخته نیازی به پردازش تخیلی صحنه های جنگ و... نمی بیند) و یا توان علمی لازم را برای این کار مانند فردوسی که به زیبایی تمام در شاهنامه به این کار پرداخته، نداشته است.

۱- زحال بد آموز و کین توختن بخواهم روان عدو سوختن ب: ۱۰۱ ص: ۵

۲- کسی کو بیچد سر از عهد تو کنیمش به شمشیر دین صید تو ب: ۲۰۴ ص: ۵

۳- سپه گفت ما عهد ایدر کنیم چو کردیم تا جان بود نشکنیم ب: ۲۰۷ ص: ۱۰



۴- کسی کو بود درعلی بد گمان	بود تیر وی بی گمان چون کمان	ب: ۲۸۱: ص: ۱۳
۵- که بیرون کشید از حیل تیغ جور	که کرد با علی ازیدی ها به فور	ب: ۲۸۷: ص: ۱۴
۶- به کام تو ما از پی نام و ننگ	جهان بر عدوی تو داریم تنگ	ب: ۳۱۶: ص: ۱۵
۷- که تا حق عثمان به جای آوریم	سر دشمنان زیر پای آوریم	ب: ۳۹۸: ص: ۱۸
۸- همه گردگیران پرخاشگر	همه دشمن حیدر نامور	ب: ۸۱۲: ص: ۳۷
۹- زعثمان کشان دهر خالی کنیم	بن و بیخشان از زمین برکنیم	ب: ۸۶۸: ص: ۳۹
۱۰- زهر جانبی لشکری جنگجوی	به بصره نهادند از کینه روی	ب: ۹۰۹: ص: ۴۱
۱۱- سر دشمنان را زتن برکنیم	همه دوزخ از ناکش پر کنیم	ب: ۹۴۸: ص: ۴۳
- ولیکن جواب تو فردا دهیم	چو از تیغ کین داد اعدا دهیم	ب: ۱۰۱۵: ص: ۴۶
- از آن اندر آمد امیری دگر	ابا لشکری جنگی و کینه ور	ب: ۱۰۷۱: ص: ۴۸

این ابیات و بسیاری از ابیات دیگر که مضمونی مشابه دارند ، علاوه بر اینکه نشان دهنده میزان دشمنی در جنگها را با عباراتی چون

(سر دشمنان زیرپای آوریم)

،(بن و بیخشان از زمین برکنیم) اشاره میکند ، نکته قابل توجه وجود کینه در دل افراد برای ایجاد جنگ با حضرت علی علیه السلام می باشد و همچنین نوعی برتری جویی را در ایشان مطرح میکند که خود را برای حکومت مناسبتر از ایشان میدیدند و وجود کینه جرقه لازم را برای جنگ با روشن میکند، چرا که در ابیاتی که جنگ آوری یاران جبهه حق را هم به تصویر می کشد از داشتن کینه در دل آن ها نسبت به مخالفین حضرت علی وجبهه حق و عدالت صحبت میکند

در این ابیات بیشترین کلمه به کار رفته «کینه» و «کین توختن» و کلماتی از این خانواده است که گاهی به نظر میرسد شاعر در به کار

بردن این کلمه و هم خانواده های آن زیاده روی کرده است

- بسوزیم جان بد اندیش را

به جنت بریم این تن خویش را

ب: ۹۴۶: ص: ۴۳

- بگفت این وبستند عهد استوار

در آن حال مردان دین هاموار

ب: ۹۵۰: ص: ۴۳



در این ابیات بیشترین کلمه به کار رفته «کینه» و «کین توختن» و کلماتی از این خانواده است که گاهی به نظر میرسد شاعر در به کار بردن این کلمه و هم خانواده های آن زیاده روی کرده است .

اما به نظر میرسد چون علی نامه منظومه حماسی است قابل قبول و یا قابل اغماض است با این وصف در بیت ذیل، از ادعای داشتن طبع کریمانه معاویه در برابر پیک حضرت علی سخن میراند: -اگر نه کریمی بدی طبع

من بفرمودمی گردن تو زدن ب: ۲۵۱۰ ص: ۱۱۴

-بگفت ای دلیران پرخاش خر ببندید در کینه جستن کمر ب: ۱۲۶۲ ص: ۵۷

-زکین طبل جنگی فرو کوفتند به تیغ آتش کین برافروختند ب: ۱۲۶۷ ص: ۵۷

دگرباره مروان ولختی سپاه برفتند و کردندش از کین تباه ب: ۱۳۱۲ ص: ۵۹

محمدهمی دون به کین حمله برد فراوان عدو را به نیران سپرد ب: ۱۳۳۰ ص: ۶۰

-چوشد کارهامان به زیر وزبر ز کردار این حیدر کینه ور ب: ۱۳۴۲ ص: ۶۰

-چوما خود زکین تیغ بیرون کشیم روان معادی به گردون کشیم ب: ۱۳۶۰ ص: ۶۱

-فرستاد پیغام زی عبدالله که شد کشته بابت براو کینه خواه ب: ۱۵۷۷ ص: ۷۱

-زدرد پدر خورد سوگند ها زکین اندر آمد چو آن اژدها ب: ۱۵۷۸ ص: ۷۱

چوابن زبیر آن جراحت ببست دگرباره بر مرکب از کین نشست ب: ۱۶۰۳ ص: ۷۲

به میدان درون شدبه کین وستیز زکین پدر کرده دل را پریز ب: ۱۶۰۴ ص: ۷۲

-دگرباره از کین برآویختند هلاهل به مرگ اندرآمیختند ب: ۱۶۵۲ ص: ۷۴

ز مردان دین لشکر نام جوی به دشمن نهادند از کینه روی ب: ۱۶۸۰ ص: ۷۵

-رسید ابن اشتر به ابن یمن زکینه زدش نیزه ای بر دهن ب: ۱۸۱۴ ص: ۸۱

که تا بردراند این فتنه را از او باز خواهند این کینه را ب: ۱۹۲۹ ص: ۸۷

-بجوییم این کینه از بوتراب کنیمش به شمشیر زیر تراب ب: ۲۳۷۸ ص: ۱۰۹

۹-تاثیر شاهنامه بر علی نامه



در این بیت ربیع کاملاً بی طرفانه و تحت تاثیر شاهنامه به تمجید یکی از دشمنان حضرت علی میپردازد و شاید به نحوی همانگونه که در شاهنامه اسفندیار در مقابل رستم قرار دارد، معاویه بن خدیج (یکی از یاران سپاه دشمن) را هم در مقابل حضرت علی قرار می دهد ولی از آنجا که ربیع، شاهنامه را افسانه میداند، قهرمانان علی نامه را هم اگرچه در مقابل حق اند از قهرمانان شاهنامه برتر می داند چرا که حقیقی اند.

- همی رفت و میگفت من آن یلم که که را به نیزه زبن بگسلم ب: ۳۹۴۱ ص: ۱۷۸
-شجاع و دلاور بد و نامدار به مردی فزون تر ز اسفندیار ب: ۴۱۱۴ ص: ۱۸۶

۹-۱- اسم های شاهنامه در علی نامه

لحن اشعار حماسی است و یاد آور رجز خوانیهای پهلوانان شاهنامه است، قابل ذکر است که ربیع علی رغم توصیه به خواندن علی نامه و افسانه دانستن شاهنامه با آوردن اسامی شاهنامه ای در علی نامه، به نوعی احترام وی به شاهنامه و شاعرش را در ذهن متبادر می کند مانند ابیات زیر:

- ۱-ببستند بارو برفتند تیز چو دیوان مازندران از ستیز ب: ۳۶۵۴ ص: ۱۶۵
۲-سواران شمشیرزن پیل تن یکایک به مانده تهمتن ب: ۳۸۰۹ ص: ۱۷۲
۳-حکیمان فاضل بدانند این که شهنامه این است و مغ نامه این ب: ۲۹۹۱ ص: ۱۳۶
۳-به مردی قوی بود خطیع لعین به مانند رستم به میدان کین ب: ۳۸۴۴ ص: ۱۷۴
۴-به قلب سپه رفت از آن پس هلال بر رایت جنگ چون پورزال ب: ۳۹۰۰ ص: ۱۷۶
۵-محمد چو بشنید آن گفته ها شد از خشم چون خشمناک ازدها ب: ۳۹۰۴ ص: ۱۷۶
۶-برآویختند آن دو جنگی به هم به مانده ازدهای دژم ب: ۳۹۴۴ ص: ۱۷۸
۷-درآوردگه شد چو شیر دژم تو گفتمی مگر زنده شد روستم ب: ۴۰۸۵ ص: ۱۸۴
۸-شجاع و دلاور بد و نامدار به مردی فزونتر ز اسفندیار ب: ۴۱۱۴ ص: ۱۸۶
۹-از ابن عمر شد مظفر ظفر چو رستم رهی دارد ابن عمر ب: ۳۱۳۱ ص: ۱۴۲
۱۰-تو گفتمی که بر پشت باد ازدها نشست و کند نار ازدم رها ب: ۴۰۵۷ ص: ۱۸۳



- ۱۱- دو نيزه چو دو خشمناک اژدها همی کرد از نوک آتش رها ب: ۴۰۹۷ ص: ۱۸۵
- ۱۲- که مردی او رستم ديگرست که او باعلی در هنر همسر است ب: ۴۷۱۷ ص: ۲۱۳
- ۱۳- زشهنامه و رستم و گيو و طوس شنيدی بسی زرق و هزل و فسوس ب: ۴۸۲۰ ص: ۲۱۷
- ربيع علی رغم احترام به فردوسی و شاهنامه و استفاده از نام های قهرمانان شاهنامه در جای جای این کتاب تاکید بر افسانه و دروغ بودن شاهنامه دارد که در آن هزل و زرق و ... زیاد است
- ۱۴- اگر چند بد رستم او مرد مرد چو گردی بدی با علی در نبرد ب: ۴۸۲۳ ص: ۲۱۷
- ۱۵- اگر عهد او در بدی روستم غلاميش را بنهادی سر بر قدم ب: ۴۸۲۴ ص: ۲۱۷
- ۱۶- نبودید گفت آگه از این شما که دارید پی ، بر دم اژدها ب: ۴۹۹۹ ص: ۲۲۵
- ۱۷- گرفتم که تو رستم ديگری منم رستم اوزن يل حيدری ب: ۶۵۰۲ ص: ۲۹۲
- ۱۸- زد از خشم یک بانگ جنگی بر اسب بجست اسب او همچو آذر گشسب ب: ۶۶۶۳ ص: ۲۹۹
- ۱۹- زشهنامه و رستم و گيو و طوس سخن نشنود دین مگر بر فسوس ب: ۶۷۵۸ ص: ۳۰۳
- ۲۰- نشسته بر اسی به مانند رخس همی جست چون برق و می زد درخش ب: ۷۶۲۱ ص: ۳۴۱
- ۲۱- زرستم فزون است و اسفندیار به میدان مردان در این شه سوار ب: ۶۷۸۹ ص: ۳۵۶

۵-۱- اسطوره در علی نامه

از آنجا که علی نامه حماسه ای مصنوع و منظوم است و مانند هر حماسه ای شاکله اش با اسطوره ، غنای بیشتر و تجلی زیباتری به خود می گیرد ، در این کتاب هم که سراسر جنگ ، مقاومت ، دلاوری و ایستادگی کسانی است که خواهان جامعه انسانی متعالی و حریت بشرند.

اسطوره علی نامه ، فردی است به نام سراقه :



ماجرای ایمان آوردنش به امام و رفع گرفتاری از او و مبارزه جانانه اش در میدان جنگ ، به نوعی خرق عادت محسوب می شود و مبالغه در آن بسیار است ، وی، تا آخرین لحظه جان سپردن و قطعه قطعه شدن و سوختن در راه هدف محکم و استوار و پابرجاست وهمه این قهرمانان ، جاودانگی خود را با کشته شدن در میدان جنگ رقم میزنند .

از بیت ۳۶۹۴ تا ۳۷۵۳ ، چوپانی که پیک امام در مسیر رسیدن به مصر، با او برخورد میکند و در کنار او بیتوته می کند و میبیند که او امام علی (ع) را سب و نفرین می کند، از او دین و مسلکش را مس پرسد، و متوجه می شود که، در عین حال که شیعه و مرید ایشان بود ، امام را سب می کرد، و برای این کار گرگی را در بند کرده بود و با چوب بر سرش میزد اورا بوتراب خطاب می کرد و به او ناسزا می گفت، چرا که او شیعه حیدر بود و بوتراب را به دلیل ندانستن لقب امام (ع) و دریافت اطلاعات غلط ، سب می کرد. بعد از تذکر پیک امام ، سخت ناراحت و پشیمان می شود و سر از تن کسی که اورا گمرا کرده بود بر می دارد و با پیک امام (ع) ، به مصر میرود و در آنجا مورد تحسین محمد ابن ابوبکر و یارانش قرار می گیرد .

از بیت ۳۹۳۰ تا ۴۴۶۴ در جریان جنگ صفین سراقه نبردی سخت می کند و تعدادی از شامیان را می کشد و در ادامه به اسارت معاویه در می آید ، و در جواب طعنه معاویه که گفت: حالا بگو تا علی تورا آزاد کند؟! گفت: من آزادم چون دل به سرای باقی بسته ام

به سراقه در وقت گفت آن لعین علی را بخوان تا رهندت از این ب: ۴۳۳۷ ص: ۱۹۶

سراقه بدو گفت من رسته ام چو دل در سرای بقا بسته ام ب: ۴۳۳۸ ص: ۱۹۶

مرا از رضای خدا و رسول نوشتست منشور جفت بتول ب: ۴۳۳۹ ص: ۱۹۶

زکشتن چه ترسم من ای زشت کیش تورا کردم آگه من از حال خویش ب: ۴۳۴۰ ص: ۱۹۶

معاویه از سراقه می پرسد که بو تراب به تو چه داده که اینچنین برایش جانفشانی می کنی؟

سراقه داستان ارادتش به امام را اینگونه تعریف می کند که: او چوپانی بوده با ده هزار گوسفند و بی نیاز از مال دنیا ، و (بوتراب را سب می کرد) و هر از چندگاهی ، شیری عظیم الجثه به گله او حمله می کند و تعداد زیادی از گوسفندان او را می درید ولی نمی خورد و این شیر به حدی با هیبت و وحشی بود که سراقه جرأت نزدیک شدن به او را نداشت ، تا اینکه متوجه میشود باید مشکش را با حیدر در میان بگذارد ، پس به سوی امام (ع) حرکت کرد و امام (ع) برای حل مشکل او عمار را به همراهش می فرستد و عمار پیغام امام را به شیر می رساند ، شیر پس از شنیدن پیغام امام به خاک می غلطد و با ناله می گوید: به خدا که اگر این سراقه به دشنام حیدر ادامه دهد ، من باز هم این کار را می کنم ، سراقه در این لحظه توبه می کند و شیر، او و گله اش را رها می کند



در پایان این ماجرا معاویه، دستور کشتن سراقه را می دهد و او را قطعه قطعه می کنند و بدن تکه تکه شده اش را آتش می زنند .

۱۰- مفاهیم حماسه و ادبیات پایداری که مورد توجه قرار گرفتند:

۱۰-۱- فضیلت جهاد در راه خدا در علی نامه

در این بیت و ابیاتی مانند این ، جهاد در راه خدا تقدیس شده که چه کشته شوند و چه بکشند پیروزند و در هر حال جاودان خواهند بود و طبق آیه قرآن کسی را که در راه خدا کشته می شود زنده میداند و مرزوق خوان الهی است

- که گر من کشم یا کشندم رواست کز این هردو رو خلد باقی مراست ب: ۴۱۲۷ ص: ۱۸۶

- بگفت ای دلیران بجوید کام زدشمن به نوک سنان و حسام ب: ۶۶۰۵ ص: ۲۹۶

۱۰-۲- تفاوت دیدگاه پایداری در سپاهیان اسلام و شام

نبردهای حارث، عمار یاسر، محمد مسلمه ، سعید ابن مالک ، اشعث ابن قیس ، مالک اشتر و محمد ابن ابوبکر از سپاه اسلام ، با ابرهم ، بن حمیر ، سلیمان ابن هلال ، مصعب ابن زبیر و عبیدالله ابن عمرو ... از سپاه شام ، صحنه های جالب و زیبای پایداری را از هردو سپاه می بینیم ، یعنی این که هر دو طرف جنگ به نوعی برای رسیدن به اهداف خود (حال اینکه مادی باشد یا معنوی، خودگرا باشد یا جمع گرا) مبارزه و پایداری شایان توجهی دارند. و در این پایداری از مال و جان مذاقته نمی کنند ، اما تفاوت محتوایی این پایداری ها زمانی مشخص می شود که سپاهیان اسلام در هر حال خود را پیروز می دانند، چه بکشند و چه کشته شوند ، اما برای سپاهیان شام پیروزی تنها وقتی است که بکشند ، نه زمانی که کشته شوند. و این تفاوت نگاه دو لشکر یقیناً به تفاوت نگاه زعمایشان بر می گردد همانگونه که علی (ع) می گوید: الناس علی دین ملوکهم ، مردم به روش و طریقه حاکمان و پادشاهان خویش زندگی می کنند. و این بیت، نمایانگر نگاه سپاه اسلام در جنگ با دشمن است ، چرا که امامشان نیز در تمام لحظه های زندگی شریفش اینگونه می اندیشید که این که لحظه ضربت خوردن در مسجد کوفه ندای فزت برب الکعبه سرداد.

- که گر من کشم یا کشندم رواست کز این هردو رو خلد باقی مراست ب: ۴۱۲۷ ص: ۱۸۶

۱۰-۳- رجز خوانی در ادبیات پایداری



رجز خوانی جزئی از ادبیات پایداری است که در جنگها و بیان ماجرای جنگها نقش بسزایی را ایفا می‌کند، و در این کتاب تقریباً در تمام رویارویی‌های دوسپاه، دو طرف مبارزه، با رجز خوانی، خود را معرفی می‌کردند و توان رزمی خود را به رخ دشمن می‌کشیدند و اغلب غلو و بزرگنمایی در آن دیده می‌شود، اما گاهی در این رجز خوانی‌ها طرف مقابل را تحقیر و مسخره می‌کردند و با این کار روحیه دشمن را تضعیف می‌کردند، گاه با یادآوری اصل و نسب و نژاد به دشمن فخر می‌کردند و طرف مقابل در جوابیه‌اش بیان می‌کرد که اصل و نسب در جنگ کار گشا نیست، خود در توشه مبارزه چه داری؟ و با این نوع رجز خوانی و جواب دادن، تیر طرف مقابل به هدف نمی‌خورد، گاهی با بیان ضعف جسمی طرف مقابل و کهنوت سن، تضعیف روحیه می‌کردند، و طرف مقابل هم با خواندن اشعار یا گفتن سخنانی یادآور دلاوریهایش در جنگها، و به مبارزه طلبیدن دشمن مقابل، مکر او را خنثی می‌کرد.

۱۰-۳-۱- رجز خوانی ابرهم از سپاه شام و جوابیه محمد ابن مسلمه از سپاه اسلام

در این رجز خوانی ابرهم برای انتقام خون پدرش در جنگ جمل به میدان می‌آید و ادعای خراب کردن خانه سران سپاه امام را میکند با پشتخانه فخر به پدرش، اما محمد مسلمه با توجه به شباهت نام ابرهم با (ابرهه)، می‌گوید که حتی ابرهه که می‌خواست خانه خدا را خراب کند، با حمله ابابیل، نتوانست به هدفش برسد و هلاک شد و پدر تو نیز در جنگ جمل به درک واصل شد و من به فرمان امام تورا به آن دو پادشاه ملحق می‌کنم.

امیر یمن را لعین بد پسر ز دشمن همی جست کین پدر ب: ۶۴۵۹ ص: ۲۹۰

چو نزدیک بن مسلکه شد به کین بغرید مانند شیر عرین ب: ۶۴۶۱ ص: ۲۹۰

همی گفت من کرد خواهم خراب سرای سران همه بوتراب ب: ۶۴۶۲ ص: ۲۹۰

محمد بدو گفت ایا خیره سر تو می فخر جویی به ملعون پدر؟ ب: ۶۴۶۳ ص: ۲۹۰

تو آن ابرهه بیشتر نیستی به مردی فزون از پدر نیستی ب: ۶۴۶۴ ص: ۲۹۰

که می گفت من کعبه ویران کنم علی را دگر گفت بی جان کنم ب: ۶۴۶۵ ص: ۲۹۰

به طیر ابابیل شد آن هلاک دگر در غم ناکشین شد به خاک ب: ۶۴۶۶ ص: ۲۹۰



تورا من به فرمان شیر اله رسام کنون من بدان هر دو شاه ب: ۶۴۶۷ ص: ۲۹۰

۱۱- استفاده از مبالغه و تخیل در ابیات

-همی زد به نعل اسبش آتش چو رخ به گردون شد از آتش وی درخش ب: ۴۱۶۱ ص: ۱۸۸

-بگفت این و جستند جنگ آن دوتن چو سرخاب جنگی و چون تهمتن ب: ۴۱۶۸ ص: ۱۸۸

-سردوسنانشان چودو اژدها زدوکام می کرد آتش رها ب: ۴۱۶۸ ص: ۱۸۸

-بید نیزه هردوان ریزه ریز زبس طعن و کوشیدن اندر پریز ب: ۴۱۷۲ ص: ۱۸۸

-بید درقه ومغفر آن دو گرد به زخم حسام روان خوار خورد ب: ۴۱۷۴ ص: ۱۸۹

هر چند داشتن عنصر خیال ومبالغه در شعر به زیبایی آن می افزاید، گاهی تشبیهات شاعر بسیار مبالغه آمیز است که اگر بر فرض جرقه ای از برخورد دو شمشیر ایجاد شود به آتشی که از دهان اژدها بیرون می آید تشبیه شده و یاد و طرف مبارزه کننده در جنگ آن چنان گرم نبرد هستند که نیزه هایشان ریز ریز و خرد می شود، و یا از ضربه شمشیر با آهنگ و لحنی صحبت می کند که وحشت لازمه را از این سلاح جنگی در خاطر انسان ایجاد می کند

در این ابیات به گونه ای قدرت سپاهیان اسلام را خیال انگیز توصیف شده که دیو از ترس هیبت سپاهیان اسلام و شدت شجاعت و جانفشانی آنان به فرشته پناه می برد و چهره ماه از قدرت فریاد آنان سیاه می شود.

-به شمشیر اعدا همی سوختند به نیزه دل و دیده می دوختند ب: ۴۲۳۰ ص: ۱۹۱

-بگفتند اوشدسوی میر دین که تا او بیارد سپاهی به کین ب: ۴۲۵۰ ص: ۱۹۲

-بخواهد از این دشمنان کینه باز کند قاسطین را همه عار وماز ب: ۴۲۵۱ ص: ۱۹۲

-زحمیت زد او بانگ بر چار پای تو گفتمی بجنبید هامون زجای ب: ۶۵۹۵ ص: ۲۹۶

-زطعن سنان و زضرب حسام اجل گفتم بارید بر اهل شام ب: ۶۶۱۰ ص: ۲۹۷

-زبس گیر و دار و خروش و سوار همی جست دیو از ملک زینهار ب: ۶۶۲۶ ص: ۲۹۷

-ببارید بر شامیان در زمان یکی سیل مرگ از حسام وسنان ب: ۶۶۴۵ ص: ۲۹۸

-زکین بانگ زد بر سپاه عدو سیه شد از آن بانگ ماه عدو ب: ۶۶۷۵ ص: ۲۹۹



۱۲- بررسی زیبایی شناختی علی نامه

در این پژوهش ابیات علی نامه را از منظر زیبایی شناختی که بیانگر بدیع و نو بودن ابیات و آرایه های ادبی بکار رفته در آن، نوع و میزان آرایه ها بررسی شده است و چند نمونه از ابیاتی که زیبایی قابل توجه و چشمگیری داشتند، ذکر شده است.

-برفت اندر آن حال عمار پیر بر مرتضی همچو پرتاب تیر ب: ۱۷۵ ص: ۹

زیبایی این بیت در بیان شوق و اشتیاق عمار برای رفتن به سوی اماک خویش است که گویی تیر از کمان رها رنده و با سرعت به سوی هدف می شتابد.

-تو دریاب و آباد کن شرع را تو اصلی پیروز کنون فرع را ب: ۲۳۲ ص: ۱۱

در این بیت در خواست مردم از امام، برای گرفتن حکومت در دستان مبارکشان، بسیار پر مغز بیان شده؛ که تنها، ریشه (امام) است که می تواند به شاخه ها (جامعه) جان ببخشد و آن را پرورش دهد و این مطلب به زیبایی مطرح شده و از حیث زیبایی شناختی می تواند مورد توجه قرار گیرد

- چه رنگ آورد بر خزان دمشق لعین عمرک عاص پر مک روفسق ب: ۵۲۱ ص: ۲۴

در این بیت بسیار زیبا مکر و فسق عمرو عاص را باعث از دست رفتن رونق جامعه می داند و این رنگ باختن را در ترکیب رنگ خزان گرفتن مطرح می کند که زیبایی زیادی را در خود جای داده است.

- به کعبه درون شد حمیرا به ناز بکرد او مجازی دو رکعت نماز ب: ۷۷۳ ص: ۳۵

در این بیت به زیبایی، نماز ریاکارانه را که حقیقت نماز یعنی همان اخلاص و راستی است در آن حضور ندارد، نمازی مجازی بیان می کند.

۱۲-۱- استعاره

قسمت عمده استعاره های بکار رفته در اشعار این کتاب از نوع مصرحه است و به امام علی (ع) و یارانش اشاره می کند و یا به دشمنان امام و یارانشان اشاره می کند، در این قسمت اشاره به آن بخش از این استعاره ها که به شخص امام علی (ع) و در پاره ای موارد به یارانش بر می گردد اشاره می شود.



۱۲-۱-۱- استعاره به حضرت امیر المومنین (ع)

- مدارا همی کرد نص همچنان سپرده بر اسب صبوری عنان ب: ۱۸ص: ۲
- زکردار گبران وارونه بخت شریعت چو دریا برآشفته سخت ب: ۶۰ص: ۴
- چنان کرد حیدر که عمار گفت که تا روی یارش چو گل برشکفت ب: ۲۱۲ص: ۱۰
- ره فتنه در دین گشاده بیود سوار سلامت پیاده بیود ب: ۶۲۷ص: ۲۹
- استعاره هایی که در این ابیات مطرح شده اند ، مانند نص ، شریعت و سوار سلامت دلالتی عجیب و زیبا دارند که امام علی (ع) ، به تنهایی عین دین و سیره رسول اکرم (ص) است که سلامت و آسایش با همراهی او حاصل می شود .

۱۲-۱-۲- استعاره به دشمنان امام (ع) و یارانشان

- ز بیخ عداوت عنا بشکفید سر فتنه در بوق فتنه دمید ب: ۶۲۵ص: ۲۹
- در آمد به گردش سپاه عرب چو در حجله شد فتنه ها را سبب ب: ۷۶۸ص: ۳۵
- جهان کرد از آن گرگ پرداخته که وی کرد کار جمل ساخته ب: ۱۸۱۶ص: ۸۱
- حمیرا چو گفتار مالک شنید زغم خونش از دیده بیرون دوید ب: ۱۷۷۳ص: ۷۹

در این ابیات تاکید ربیع بر دشمنی کسانی مانند طلحه ، زبیر ، عایشه ، عمروعاص و معاویه می کند و با ترکیباتی که می آورد به نوعی رنگ و بوی دشمنی و فتنه ای که در جامعه به پا کردند را به مشام خواننده می رساند

۱۲-۱-۳- استفاده از عناصر طبیعی در استعاره

- در استفاده از عناصر طبیعی توانسته تصاویر بسیار زیبایی را خلق شده و معانی زیبا و عمیقی را به ذهن متبادر می کند ، و با این کار به نوعی توانایی شاعر را در زمینه آشنایی با ادبیات و فنون مربوط به آن آشکار شده است .
- چو دریای فتنه بر آشفته بود ز باغ جفا فتنه بشکفته بود ب: ۲۲۰ص: ۱۱
- ولیکن سر فتنه ما بوده ایم چو خورشید با گل بر اندوده ایم ب: ۲۲۲ص: ۱۱
- تبه گشت کار شریعت همه چو بد بی شبان در شریعت رمه ب: ۲۳۱ص: ۱۱



- شکفت از فلک شمع گون سنبلید چو شب رایت قیرگون برکشید ب: ۳۲۲ ص: ۱۵
صحنه هایی که از این استعاره ها در پیش چشم ذهن تصویر می شود گاه به زیبایی یک
تابلوی نقاشی است ، گویی واقعا نقاشی با خنده خورشید بر چهره شب رنگ طلایی زده ،
ویا سر گشتگی امت را بعد از، از دست دادن پیشوای خود به زیبایی به پریشانی رمه گوسفند
مانند کرده ،جامعه ای که در آن به دست انسانهای بی وفا ، پیمان شکن و جفاکار فتنه و آشوب به پا شده بود و مردم با
نادانی خود خورشید حقیقت را در وجود خود گل اندود کرده بودند.

۱۲-۱-۴- استفاده از مفاهیم دینی و مذهبی

- بن شبهت آباد ابلیس کرد چوبا آدم او مکر و تلبیس کرد ب: ۲۷۷ ص: ۱۳
-سزدگر بود آدمی برحذر ز تلبیس ومکر عدوی پدر ب: ۲۸۸ ص: ۱۳
به زیبایی ، کسانی را که ایجاد شک و نفاق در جامعه کردند با شیطان قیاس شده و توصیه شده که همانگونه که حضرت
آدم از مکر ابلیس در امان نبوده ، فرزندان او نیز در امان نیستند و باید از او دوری کنند .

۱۲-۲-کنایه

۱۲-۲-۱-کنایه های مربوط به پایان و شروع روز و شب

-هوا شد به مانده مشک ناب فلک شد مزین به در خوشاب ب: ۷۲۷۱ ص: ۳۲۶
-رخ شط شد از هجر خورشید زرد چو مه روی بر طیره شب عرضه کرد ب: ۶۷۴۹ ص: ۳۰۳
شرح فراق شط از خورشید به گونه ای زیبا و نو مصور شده ، گویی با ورود رقیب معشوق به صحنه ، رنگ از رخسار
عاشق میروود و رویش زرد می شود .

۱۲-۲-۲-کشتار و تهدید به کشتن

به مانند برق بهاری بجست گرفته ،روان خوار خنجر به دست ب: ۱۳۲۵ ص: ۵۹
به شمشیر بگشاد آن یل بغل ببارید بر ناکشیمان اجل ب: ۱۳۲۶ ص: ۵۹
چو پور ابوبکر چونان بدید چو صرصر بر آن ناکشیمان بزید ب: ۱۳۲۷ ص: ۶۰



در تمامی این ابیات ، معنا و مفهوم تلخ کشتن و خونریزی به صورت کاملاً محسوسی قابل درک و لمس است ، به حدی که گویی در زمین به جای بذر گل و ... کاشته ، کاشته اند ، و این حکایت از کشتار زیاد دارد .

۱۲-۲-۳- بی وفایی

- همه دست دادند به بیعت درست ولیکن ز تخم وفاشان نرست ب: ۲۵۱:ص: ۱۲

۱۲-۲-۴- برپا شدن فتنه و قوت گرفتن آن

- کجا خفته بر فتنه بیدار شد دم مورچه چون دم مار شد ب: ۶۲۴:ص: ۲۹

- ز بیخ عداوت عنا بشکفید سر فتنه در بوق فتنه دمید ب: ۶۲۵:ص: ۲۹

- ره فتنه در دین گشاده بود سوار سلامت پیاده بود ب: ۶۲۷:ص: ۲۹

۱۲-۳- تشبیه

- مدارا همی کرد نص همچنان سپرده بر اسب صبوری عنان ب: ۱۸:ص: ۲

- از این روی شد شهر پرگفت و گو که عثمان به چوگان دل داد گوی ب: ۵۹:ص: ۴

- ز کردار گبران وارونه بخت شریعت چو دریا برآشفست سخت ب: ۶۰:ص: ۴

در این ابیات به زیبایی صبوری به اسب ، دل به چوگان و شریعت به امام علی (ع) تشبیه شده است ، برآشفستگی امام (ع) شریعت ، از رفتار مدعیان دروغین طلب خون عثمان به دریایی متلاطم مانند شده است.

۱۳- ابیاتی که از منظر محتوایی مورد توجه قرار گرفتند

ابیاتی که مطرح می شوند در پاره ای از موارد یاد آورآیات ، احادیث و روایات مذهبی و بعضی از آنها گویی صورت تغییر یافته

ضرب المثل‌های رایج فارسی هستند و یا یاد آور بعضی از اشعار شعرای فارسی زبان هستند

- از این درت کوتاه کردم سخن چوفصلی بگفتم زکین کهن ب: ۲۱:ص: ۲

«من از مفصل این نکته مجملی گفتم تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل» (عمان سامانی: ۱۳۸۶: ۸۹)



-چو عثمان وزارت به مروان سپرد چراغ امانت به یک ره بمرد ب: ۴۸: ص: ۳

-در اول که مروان دون را بخواند در آن حال چون بوذری را براند ب: ۵۶: ص: ۳

-به نزدیک بی دانشان خود مگرد سر دانشی را تو شو پایمرد ب: ۱۱۰: ص: ۶

زنadan نیابی به جز بدتری نگر سوی بی دانشان ننگری (فردوسی: ۱۳۸۱: ۶۷۸)

دوستی بامردم دانا نکوست برزمینت میزند نادان دوست (نظامی: ۱۳۷۸: ۲۱۵)

-به جز راستی من نجویم از این که ناراستی کژ کند راه دین ب: ۱۳۰: ص: ۷

«امام علی (ع): من تعدی الحق ضاق مذهبه. (نهج البلاغه/ ۱۲۶۵)

هر که از حق فراتر رود راهش تنگ می شود

«قول و فعل و ضمیر چون شد راست اختلافی نماند اندر خواست

هر چه خواهی تو ایزد آن خواهد دین مراد دلت به جان خواهد (اوحدی: ۱۳۹۶: ۸۷)

-زیادت نگویید از هیچ روی بجز راستی تا توانی مگوی ب: ۱۲۸: ص: ۷

اگر خواهی از هر دو سر آبروی همه راستی کن همه راست گوی (همان: ۱۳۸۱: ۹۸)

-بر آن روی گویش که روز قضا توانیش گفتن تو با مصطفی ب: ۱۲۹: ص: ۷

-چوسرگشته گشتیم یکسر چنین گرفتیم درگاه حبل المتین ب: ۲۲۵: ص: ۱۱

«قرآن کریم: واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» (آل عمران/ ۱۰۳) همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

«رسول خدا (ص): لا تختلفوا فان من كان قبلکم اختلفوا فهلکوا» (اختلاف نکنید که آنان که پیش از شما بودند اختلاف کردند و نابود

شدند (متقی، ۱۴۰۹: ۸۴۶)

-تو دریاب و آباد کن شرع را تو اصلی بپرور کنون فرع را ب: ۲۳۲: ص: ۱۱

«قرآن کریم: ان الله يامرکم ان تعدوا الامانات الی اهلها» (نساء/ ۵۸) خداوند به شما فرمان میدهد که امانت ها را به صاحبانشان

برگردانید.

۱۳- از آن پس بگفت ای بزرگان دهر سرشتست این سفله دنیا به زهر ب: ۲۳۹: ص: ۱۱



«امام علی (ع): دار بالبلاء محفوظه. (نهج البلاغه، ۲۲۶) دنیا سرایی است که در بلا پیچیده شده است.

مبادا که گستاخ باشی به دهر که زهرش فزون باشد از پادزهر (فردوسی: ۱۳۸۱: ۶۷۸)

ناکامی و رنج است همه حاصل دنیا و کام بود حاصل از آن نیز چه حاصل (ساجی: ۱۳۸۲: ۵۴)

۱۴- نتیجه گیری

از آنجا که علی نامه حماسه دینی مصنوع و منظوم است و در این کتاب که سراسر جنگ، مقاومت، دلاوری و ایستادگی کسانی است که خواهان جامعه انسانی متعالی و حریت بشرند

در تمامی فراز و نشیب های آن کسانی مانند مولای متقیان علی ابن ابیطالب (ع) که به نیروی ملکوتی و الهی وصل هستند حضور دارند و نقش مؤثر و بسزایی در جهت اهداف والای انسانی خود ایفا می کنند و در این راستا تلاش پیگیری برای رفع مشکلات امت دارند.

اگرچه تمامی یاران علی ابن ابیطالب (ع)، قهرمانانی هستند که در راه دفاع از آرمانهای جامعه انسانی و اسلامی از جان خود و فرزندانشان گذشته اند و در بزنگاههای به وجود آمده قابل اعتماد و تکیه کردن هستند و می شود به آنها تاسی کرد و باز از آن جایی که مفهوم اسطوره دروغ و غیر واقع نیست ولی چون ذات بشر نیاز به قهرمانهایی دارد که در مواقع لزوم به آنها التجاع داشته باشد، مخصوصاً قهرمانهایی که به نوعی به نیروی ماورایی و فوق بشری متصل باشند ممکن است در مصداقهای این اسطوره ها داستانهایی وجود داشته باشد که راست نباشند و تخیل در پردازش شخصیت قهرمان آن نقش اساسی ایفا کرده باشد. بر این اساس در علی نامه با وجود حضرت علی (ع) و یارانشان در جای جای این کتاب، که قهرمانانی واقعی و کاربردی بشمار می آیند، داستانهای تخیلی موجود در آن مانند پیدا کردن چاه آبی که به وسیله امام (ع) بعد از ششصد سال پیدا و سپس محو شد و یا فرمانبرداری شیر ژیان در داستان سراقه به گونه ای از ایشان شخصیتی تخیلی ترسیم کرده، و یا داستان سراقه نیز به همین ترتیب، داستانی است که به نظر غیر واقعی می آید و یا واقعی است که با تخیل مبالغه آمیز شاعر آمیخته شده است، همانگونه که گفتیم مفهوم اسطوره دروغ نیست اما ممکن است مصداقها دروغ باشد.



- [۱] اکبر ایرانی، ۱۳۸۹. درباره علی نامه، ضمیمه ۲۰ علی نامه، چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- [۲] محمود امید سالار، ۱۳۸۹. علی نامه، شاهنامه و نقدی بر ساختارهای ایدئولوژیک در مطالعات حماسی، ضمیمه ۲۰ علی نامه، چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- [۳] مهران افشاری، ۱۳۸۹. جستجویی در تاریخ مناقب خوانی و اشاره هایی به منظومه علی نامه، ضمیمه ۲۰ علی نامه، چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- [۴] علی ابن ابیطالب (ع)، ۱۳۷۹. نهج البلاغه، ترجمه محد دشتی، نشر الهادی
- [۵] اوحدی اصفهانی معروف به اوحدی مراغه‌ای، (۱۳۹۱). کلیات اشعار (منطق العشاق - جام جم)
- [۶] حسن بن علی ابن شعبه، ۱۳۸۲. تحف العقول، قم - ایرانسال
- [۷] کارل آرمسترانگ، ۱۳۹۰. تاریخ مختصر اسطوره، نشر مرکز
- [۸] سلمان ساوجی، ۱۳۸۲. کلیات، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- [۹] سیروس شمیسا، (۱۳۸۷). انواع ادبی (رشته زبان و ادبیات فارسی)، انتشارات دانشگاه پیام نور
- [۱۰] ذبیح الله صفا، ۱۳۹۲. حماسه سرایی در ایران، انتشارات امیر کبیر، ۷-ی
- [۱۱] عمان سامانی، ۱۳۸۶. گنجینه الاسرار، توسط انتشارات آرام دل
- [۱۲] محمد روشن، ۱۳۸۹. علی نامه؛ منظومه ای کهن، ضمیمه ۲۰ علی نامه چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- [۱۳] ابوالقاسم فردوسی، ۱۳۸۱. شاهنامه، به تصحیح ژول مول، انتشارات بهزاد
- [۱۴] قرآن الکریم
- [۱۵] بهجت قاسم زاده، ۱۳۹۱. مقایسه جلوه های پایداری در حماسه دینی یادگار زریران و گشتاسب نامه دقیقی، مجله: ادبیات پایداری، ۳۴۸،
- [۱۶] محمدرضا شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹. حماسه ای شیعی از قرن پنجم، ضمیمه ۲۰ علی نامه چاپ دوم، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- [۱۷] علی موسوی گرماردی، ۱۳۸۸. شاهنامه و منظومه حماسی دینی علی نامه، پیام بهارستان دوره دوم، تهران
- [۱۸] محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، ۱۳۸۶. بحار الانوار جلد ۲، انتشارات اسلامیه، تهران، ۴۹،
- [۱۹] الیاس ابن یوسف نظامی، ۱۳۷۸. کلیات خمسه، انتشارات نگین